

با اجازه عروس خانم، بعله!

امکان داره زمان مراسم عقد شناسنامه ما را به اقوام نشان ندهید؟» این جمله شاید برای شما معنی و مفهوم خاصی نداشته باشد...



#171& امکان داره زمان مراسم عقد شناسنامه ما را به اقوام نشان ندهید؟» این جمله شاید برای شما معنی و مفهوم خاصی نداشته باشد یا تعجب کرده و به این فکر بیفتید چه اطلاعات محرمانه‌ای ممکن است در شناسنامه آنها ثبت شده باشد که می‌خواهند شخصی آن را ببیند، اما این روزها محضردارها از شنیدن این جمله مثل من و شما تعجب نمی‌کنند، چون هر از گاهی دامادهایی برای ثبت ازدواج خود آستین بالا زده و به سراغشان می‌روند که چند سال از عروس خود کوچک‌تر هستند. جالب است بدانید آمارهای رسمی سازمان ثبت احوال از این حکایت دارد که در سه ماهه اول سال گذشته 24 هزار و 967 ازدواج ثبت شده که در آن پسرها با دختران از خود بزرگ‌تر ازدواج کرده‌اند.

فکر می‌کنید در ازدواج‌هایی که در فصل بهار سال گذشته به ثبت رسید، عروس‌ها چقدر از دامادها بزرگ‌تر بودند؛ یک، دو، سه، 10 یا 20 سال؟ اگر دهانتان از تعجب باز مانده بهتر است آمار را با دقت بیشتری دنبال کنید، چون تعداد زوج‌هایی که با چنین اختلاف سن‌هایی پیمان زناشویی بسته‌اند کم نبوده و نیست، با یک حساب سرانگشتی و انداختن نگاهی به آمارها می‌توان متوجه این ماجرا شد؛ زیرا در سه ماهه نخست سال گذشته 224 هزار و 52 زوج با هم پیمان زناشویی بستند، در این میان 28 هزار و 47 زوج همسال بودند، اما 8399 ازدواج ثبت شد که در آن مردها یک سال کوچک‌تر از همسران‌شان بودند.

آمار تازه دامادهایی که دو سال از همسرشان کوچک‌تر بودند هم برابر با 4990 نفر بود و تعداد تازه عروس‌هایی که سه سال از همسران‌شان بزرگ‌تر بودند هم 3652 نفر ثبت شد، اما پیمان‌های زناشویی عجیب‌تری هم ثبت شده برای نمونه در همین مدت 248 ازدواج میان پسران و دخترانی ثبت شده که در آن پسرها 10 سال کوچک‌تر از دختران بوده‌اند یا 174 ازدواج به صورت رسمی ثبت شده که در آن تازه دامادها بین 16 تا 20 سال از همسر خود کوچک‌تر بوده‌اند، اگر فکر می‌کنید این آمار اینجا متوقف می‌شود، اشتباه کرده‌اید زیرا 181 نفر از شاه‌دامادها ترجیح دادند با زنانی که بیشتر از 20 سال از آنها بزرگ‌تر هستند، ازدواج کرده و راه رسم دیگری را در پیش بگیرند.

اگر کمی به عقب‌تر بگردیم و آمارهای سال 90 را هم بررسی کنیم، این ماجرا بخوبی به چشم می‌آید، زیرا در این سال حدود 800 هزار ازدواج به ثبت رسیده و در این میان 32 هزار و 24 ازدواج ثبت شد که در آن مرد یک سال کوچک‌تر از همسرش بود و 13 هزار و 917 داماد هم عروس‌هایی را به خانه بخت بردند که سه سال از آنها بزرگ‌تر بودند، درباره اختلاف سنی پنج سال هم باید به عدد 5872 اشاره کنیم و بگوئیم 3160 ازدواج هم با اختلاف سنی هفت سال به ثبت رسیده این درحالی است که در سال 90 اختلاف سنی ده و 20 سال هم به ترتیب عدد‌های 1084 و 686 ازدواج را به خود اختصاص داده‌اند.

نیاز مادرانه!

کارشناسان برای این رویه دلایل زیادی را مطرح می‌کنند. برای نمونه برخی‌ها معتقدند پسرانی که با دختران از خود بزرگ‌تر ازدواج می‌کنند، ناخودآگاه در جستجوی مهر مادرانه می‌گردند.

علی‌اصغر کیهان‌نیا، مشاور خانواده در این باره به جام‌جم می‌گوید: به نظر من دو دلیل مهم وجود دارد، اول این که چون در این سال‌ها مادران بیشتر مشغول کار شده‌اند وقت کافی برای همراهی فرزندان ندارند، بنابراین بیشتر پسرها از نظر غریزه مادری به دلیل کار و اشتغال مادر از عواطف او بهره‌مند نشده‌اند به همین دلیل بعضی از پسرها به زنی که از آنها بزرگ‌تر است و بخشی از نیاز مادری را به آنها می‌دهد، گرایش پیدا می‌کنند.

دلیل دیگری که می‌توان در این خصوص ارائه کرد، پنهان‌است و پسر یا دختری نمی‌تواند به صورت مستقیم به آن اشاره کند به همین دلیل زوج‌های جوان سعی در پنهان کردن آن دارند.

کیهان‌نیا اظهار می‌کند: به دلیل شرایط اقتصادی بد، بیکاری و نداشتن شغل، بعضی از پسرها به طرف دختر خانم‌هایی که کارمند بوده و از شرایط اقتصادی مناسبی برخوردارند، رفته و جذب می‌شوند مثلاً دختری که خانه‌ای دارد یا حقوق بگیر است.

به گفته کیهان‌نیا، این دلایل پنهان هستند و پسرها این موضوع‌ها را مطرح نمی‌کنند. در این گونه رابطه‌ها عشق زیاد مطرح

نیست، ولی مادیات مهم است. به همین دلیل برخی مردها ترجیح می دهند با زنی ازدواج کنند که کار و وضع مالی مناسبی داشته باشد.

به این ترتیب، دخترانی هم که سن شان بالا رفته تن به چنین ازدواج هایی می دهند زیرا این دخترها وقتی پسری به آنها ابراز علاقه می کند زودتر تصمیم به ازدواج می گیرند. کیهان نیا در این باره ادامه می دهد: این دسته از دخترها با این کار می خواهند نشان دهند آنقدر خوب و جذاب هستند که پسران جوان تر از آنها تصمیم به ازدواج با آنها گرفته اند.

چنین ازدواج هایی می تواند تبعات زیادی در بر داشته باشد، اما در این بین اگر زن و مرد هر دو بیشتر از 30 سال سن داشته باشند، چون به بلوغ فکری، اجتماعی و فرهنگی رسیده اند با خطر کمتری روبه رو هستند، اما اگر سن آنها زیر 25 سال باشد این ازدواج بشدت خطرناک است زیرا تقریباً 80 درصد چنین ازدواج هایی سرانجام خوبی ندارد.

این مشاور خانواده ادامه می دهد: بخصوص اگر پسر 25 سال به پایین باشد مشکلات بیشتری پیش می آید چون حرف هایی که او بعد از یک مدت می زند، شبیه این جمله هاست «گولم زدی»، «من جوانی نکرده بودم»، «چرا اینقدر احمق شدم که آمدم با تو ازدواج کردم» و «تو جای مادر من هستی.»

او می گوید: البته نباید فراموش کرد هر چیزی، هم قاعده دارد هم استثنا. در این مورد هم قاعده این است که زن یا مرد بعد از پنج سال به وضع موجود اعتراض می کنند، اما استثنا هم وجود داشته و ممکن است در بعضی از ازدواج ها که مرد تا دو سال از زن کوچک تر است بعد از آمدن بچه، زوج دیگر مصلحت گرا شوند، اما توجه داشته باشید در برخی از این ازدواج ها خیانت یا ازدواج دوم و سوم مطرح است.

دبه درنیاورید

اما همان طور که به آن اشاره کردیم، آمارها از ثبت شدن چنین ازدواج هایی حکایت دارند. به همین دلیل بهتر است زوج هایی که تن به چنین ازدواج هایی می دهند حداقل نکاتی را رعایت کنند تا زندگی مشترک شان دچار تنش نشود.

کیهان نیا در رابطه این طور توضیح می دهد: برای نمونه دختر باید قوانین شوهرداری را یاد بگیرد و البته نسبت به روان شناسی خود و شوهرش آگاهی پیدا کند.

همچنین بهتر است در این گونه ازدواج ها مرد و زن به حرف مردم توجه نکنند، آنها باید آیین همسرداری را بدانند.

برای نمونه این روزها کتاب و سی دی هایی با این عنوان منتشر شده است، زوج های جوان می توانند با توجه به آنها این نکات را فرا بگیرند البته در چنین ازدواج هایی مرد هم باید نکاتی را رعایت کند، مثلاً او باید به انتخاب اولیه خود احترام گذاشته و به جای تمرکز روی سن همسرش به ارزش های واقعی او توجه کند.

کیهان نیا تاکید می کند: مرد هم باید سعی کند با شرایطی که خودش مسبب آن بوده و تلاش کرده به آن برسد، کنار بیاید چون وقتی از زوج هایی که با چنین مشکلی روبه رو شده اند می پرسیم چرا با هم ازدواج کرده اید، زن می گوید از بس همسرش ابراز علاقه کرده و به قول معروف پاشنه در خانه آنها را از جا درآورده راضی به ازدواج شده است.

اگر همین پرسش را برای چنین مردی مطرح کنید، او ضمن تائید حرف های همسرش جواب خواهد داد اول این طور بود حالا نمی دانم چرا نظرم تغییر کرده است.

به گفته وی ، با توجه به این نکات باید به این مرد گفت چون تو خودت انتخاب کردی و سرنوشت یکی دیگر را با سرنوشت خود گره زده ای باید از نظر خدا، دین و پیغمبرهم یادت باشد که تو انتخاب کرده ای و به قول معرف نباید دبه دربیآوری!

خانواده ها باید بدانند

در این بین نباید نقش خانواده ها را فراموش کرد، چون آنها می توانند با راهنمایی فرزندان خود آنها را از تبعات چنین ازدواج هایی باخبر کنند، چون میزان سن و قانون احتمالات بیانگر این است که در این ازدواج ها اختلافات می تواند زیاد باشد مگر این که پسر و دختر هر دو بالای 30 سال سن داشته باشند.

کیهان نیا در این باره می گوید: برای نمونه اگر دختر سی و چهار ساله باشد و پسر 32 تا 33 سال سن داشته باشد چون در این مدت نه پسر موفق شده زن خوبی بگیرد، نه دختر توانسته شوهر مناسبی داشته باشد، می توان امیدوار بود آنها زندگی خوبی داشته باشند، اما فراموش نکنید اگر زوج زیر 25 سال سن داشته باشند بروز اختلاف طبیعی است.

این مشاور خانواده درباره زمان مناسب برای بچه دار شدن چنین زوج هایی می گوید: حتما باید در دو یا سه سال اول به توافق کافی رسیده و وقتی از زندگی خود مطمئن شدند، تصمیم به بچه دار شدن بگیرند، برای نمونه وقتی زن متوجه شد عشق مرد نسبت به او رگباری و زودگذر نبوده می تواند خیالش راحت باشد، زیرا طلاق با بچه و بدون بچه خیلی متفاوت است.

اختلاف سنی مناسب

کارشناسان معتقدند اختلاف سنی مناسب برای ازدواج بین چهار تا هفت سال است، یعنی مرد باید تا این حدود از همسرش بزرگ تر باشد.

کیهان نیا می گوید: این تفاوت سنی احتمال اختلاف را کمتر می کند، چون مرد به اقتدار و توانمندی بیشتری رسیده و قادر است خانه را اداره کرده و کمتر به مشکل برخورد؛ البته فراموش نکنیم به این شرط که سن مرد از حدود 28 سال بیشتر باشد، زیرا اگر سن کمتری داشته باشد، باز هم به دلیل پایین بودن سن به مشکل برمی خورد.

مساله بیولوژی، اقتصادی و اجتماعی

ازدواج پسران با دختر های بزرگ تر از خود می تواند سبب بروز مشکلات و مسائل دیگری از لحاظ بیولوژی، اقتصادی و اجتماعی شود.

حسن عشایری، استاد دانشگاه در این باره می گوید: مساله ای که مطرح است، مساله بیولوژی است. خانم ها زودتر به یائسگی می رسند، مردها هم به این سن می رسند، اما مانند زن ها نیستند به همین دلیل اگر قرار است زوجی خانواده تشکیل داده و فرزندانی داشته باشند، سن بالای خانم ها می تواند مطرح باشد.

به گفته عشایری، سن بالای خانم ها می تواند از نظر ژنتیکی و تولد بچه ها مساله ایجاد کند و ریسک اختلالاتی که ممکن است پیش بیاید بالاست.

باید اضافه کرد از نظر روانی هم شخصی که سن کمتری دارد، می خواهد فعال تر باشد. اگر اختلاف زوجین بالا باشد آنها در مسائلی مانند تفریح و هیجان طلبی هم به مشکل برخوردند، زیرا یکی از آنها به دلیل سن و سالش طالب تفریح و هیجان است، اما دیگری به دلیل سن بالا نمی تواند او را همراهی کند.

عشایری می افزاید: در این بین مسائل اقتصادی هم وجود دارد. در خیلی جا ها به دلیل مسائل اقتصادی سن و سال را نادیده می گیرند، اما خوشبختانه امروز فرهنگ خانواده ها بیشتر شده و دیگر تن به این ازدواج ها نمی دهند.

به گفته عشایری، از نظر روانکاو هم بعضی از پسران ناخودآگاه در جستجوی یک پختگی یا مادر گمشده هستند.

او اضافه می کند: از طرف دیگر برخی پسرها روان رنجوری دارند که نمی توانند با جوان ها روابط پویا برقرار کرده و به همین دلیل شخصی که پخته تر است می تواند یک امنیت کاذب برای آنها ایجاد کند.

برخی مردان جوانی که با دختران بزرگ تر از خود ازدواج می کنند، تصور می کنند دختری که سن بالایی دارد مطالبات دختران جوان را ندارند، اما پس پرده نکته دیگری هم وجود دارد، زیرا چنین مردانی اگر وضع اقتصادی مناسبی هم نداشته باشند، می توانند ادعا کنند از طرف مقابل جوان تر هستند و به این شکل از سرمایه بیولوژیکی که دارند، استفاده کرده و سعی می کنند برای خود امتیاز بگیرند.

عشایری ادامه می دهد: البته این ماجرا چندمعلولیتی است، به همین دلیل باید تحلیل بشود چه اتفاقی می افتد که برخی ها به چنین ازدواج هایی روی می آورند و چرا نمی توانند هماهنگ شوند. من فکر می کنم برای یک همسفر پیدا کردن باید ابتدا به یک بلوغ فکری رسید و متوجه شد زن، ماشین تولید بچه نیست، زن برای تمکین مرد و رفع نیازهای او آفریده نشده است، بلکه یک همسفر است به همین دلیل باید فرهنگ تشکیل خانواده بر سنت های پوسیده بچربد.

